



بمناسبت سالروز رحلت پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه وآله وسلم

# رسول اکرم (ص)

## از دیدگاه قرآن

### عظمت پیامبر در قرآن

خداوند متعال در قرآن از جهات مختلف، اشاره به عظمت و مقام والای رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم نموده است که برخی از آنها را یادآور می‌شویم:

از نکات بارز قرآن درباره رسول خدا صلی الله علیه وآله این است که هرگز او را به نام خطاب نمی‌کند و با اینکه خطابهای خداوند به پیامبران گذشته همگی به نام آنها است مانند: یا ابراهیم، یاموسی، یاعیسی بن مریم و... و اما در مورد رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله به «یا ایها النبی» و «یا ایها الرسول» خطاب می‌نماید: ای پیامبر! وای فرستاده خدا! و این خود مزیتی است بارز و مقامی است ارجمند.

در سوره حجر آیه ۷۲، به جان آن حضرت قسم یاد کرده است: «لَعَلَّكُمْ أَتَهُمُ لَبِئْسَ مَكْرَتَهُمْ يَعْمَهُونَ». عَمْر به فتح عین همان عَمْر و زندگانی است که در مورد قسم، عَمْر (به فتح) خوانده می‌شود. این قسم مانند سایر قسمهای خداوند نیست که به زمین و آسمان و سایر مخلوقات قسم یاد می‌کند زیرا در آن موارد فقط جنبه انتساب آنها به خداوند مطرح است و در اینجا قسم به حیات و عمر و بقای آن حضرت یاد شده و این نشانگر نهایت لطف و محبت و توجه باری تعالی است.

و در سوره بلد قسم به شهر مکه یاد شده ولی تنها در حالی که آن حضرت در آن اقامت داشته باشد «لَا أَقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ وَأَنْتَ حَلٌّ

۲۳ سال خورشید هدایت در آن تاریکی های جاهلیت و گمراهی چنان درخشید که قرنهای متمادی است، انسانیت را همچنان از گرمی و روشنائی خویش بهره‌مند می‌نماید و با گذشت ایام و پیشرفت تمدن بشری، هر روز درخشش بیشتر و تحرک افزونتر می‌آفریند. چنین است چراغی که آیزد آن را برافروزد هر چند غروب کرد، نور آن همچنان باقی و جاودانه است.

به روایت مشهور میان علمای شیعه، خورشید رسالت در آخرین ساعات روز ۲۸ صفر سال ۱۱ هجرت در سنّ شصت و سه سالگی غروب کرد ولی هرگز نور و فروغ او خاموش نگشت بلکه هر روز فروزانتر و پر فروغ تر از پیش بر جهانیان تابید، چرا که نور او با رقه ای از نور خدا بود پس برای او پایدانی نیست بلکه برای او آغازی نیز نبود. نور او ازلی و ابدی است، باز هم به همان دلیل که نور خدا است و نور خدا را مبدأ و منتهائی نیست.

رهبر! درباره تو چه بگوئیم و چه بنویسیم؟ نه قلم را یاری نوشتن است و نه مغز را قدرت اندیشیدن، همان به که تنها در مدح تو قرآن بخوانیم و ستایشت را از گفتار خدا بازگو کنیم که جز خدای متعال که پرورش دهنده مستقیم تو بود و جز علی علیه السلام که پرورش یافته مستقیم تو بود، کسی دیگر تو را نشناخت.



در این آیات چیزی که به چشم می‌خورد، عجز الفاظ از بیان آن قرب و نزدیکی است.

بطور کلی در مجموعه آیات اول سوره

نجم که در مقام بیان منزلت رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در معراج یعنی نهایت اوج بشریت بلکه نهایت کل کمال ممکن است، مطالبی آمده که نه تنها شرح و توضیح آن در این گفتار

نمی‌گنجد که درک آن از حیطة اندیشه ما بیرون است، تنها باید با شگفتی و اعجاب در این معانی فوق درک بشر، تأمل کنیم بیعت با خداوند

و در سوره فتح آیه ۱۰ می‌فرماید:

«إِنَّ الدِّينَ يُبَایِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَایِعُونَ اللَّهَ، بَدَأَ اللَّهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ...»

آنانکه با تو بیعت می‌کنند، در واقع با خدا بیعت می‌کنند و آن دستی که بالای دست آنها است در حال بیعت، دست خداوند است...

حضرت رسول صلی الله علیه وآله همانگونه که از آیه پیدا است در وقت بیعت دست را بالای دست مردم قرار می‌دادند و خداوند متعال از باب شرافت و عظمت مقام آن حضرت، دست او را دست خود می‌داند و بیعت با او را بیعت با خود می‌داند؛ و این نهایت عظمت و کرامت مقام انسان است، و این تنزیل در موارد دیگر نیز آمده است.

### اطاعت او اطاعت از خدا است

در سوره نساء، آیه ۸، اطاعت او را اطاعت خود دانسته

می‌فرماید:

«مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ...» و در سوره انفال آیه ۱۷ تیر

اندازی او را تیراندازی خود می‌داند: «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى».

و در حدیث از آن حضرت نقل شده است که فرمود: «مَنْ

زَارَنِي فِي حَيَاتِي أَوْ بَعْدَ مَوْتِي فَقَدْ زَارَ اللَّهَ تَعَالَى»

هر کس مرا در حیات یا پس از مرگ زیارت کند، خدا را زیارت کرده است.

### رابطه پیامبر با خداوند

این رابطه خدا و رسول در آیات قرآن بسیار چشمگیر است.

قریب به بیست مورد، اطاعت رسول در پی اطاعت خدا با

يَهْدَا الْبَلَدَ». لازمه است یعنی: قسم یاد می‌کنم به این شهر در حالی که تو در آن اقامت داری، و معنای این جمله این است که: تشرف این شهر به وجود تو است که این ارزش را به آن داده است که مورد قسم خداوند واقع شود.

### مدح و ستایش پیامبر در قرآن

و در مقام مدح او خداوند فرموده است:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسَيَرًا مُبِينًا».

(احزاب: ۴۶)

ای پیامبر! ما تو را فرستادیم که گواه و ناظر بر اعمال مردم باشی؛ نیکوکاران را به پاداش نیک بشارت دهی و بدکاران را از کیفر بدبشرسانی و بشر را به سوی خداوند. به اذن او. بخوانی و برای جهانیان، چراغی فروزان باشی. و چه زیبا است، ستایش خداوند!

و در سوره حاقه، آیه ۴۰ می‌فرماید:

«إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ...»

قرآن گفتار فرستاده بزرگوار ما است نه گفتار یک شاعر.

و بقرینه نفی شاعر و نفی کاهن در آیه بعد باید گفت: منظور از «رسول کریم»، در آیه، پیغمبر گرامی اسلام «ص» است گرچه در سوره تکویر چنین آیه‌ای در مدح حضرت جبرئیل علیه السلام آمده است. و منافاتی ندارد که قرآن با اینکه کلام خداوند است، گاهی آن را به خودش نسبت می‌دهد و گاهی به جبرئیل علیه السلام و گاهی هم به رسول اکرم صلی الله علیه وآله، زیرا هر کدام از نسبتها در مقام خاصی است. مثلاً در این مقام که منظور نفی گفتار شاعرانه است در برابر تهتهای مشرکان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم، قرآن در مقام توصیف او به رسول کریم و نفی شاعریت و کاهنیت از آورنده گفتار، چنین تعبیر فرموده است.

### نهایت کمال ممکن

و در نخستین آیات سوره نجم، نهایت قرب آن حضرت به پروردگار خویش را چنین بیان می‌فرماید:

«وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَى، ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى، فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى»

او در بالاترین افق و بالاترین مدارج کمال بود سپس نزدیک شد، پس در آویخت [یعنی بسیار نزدیک شد] تا آن اندازه که بمقدار دو کمان بلکه نزدیکتر بود.



تعبیرات گوناگون ذکر شده مانند: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ» - «أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ» - «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» و... و در مواردی دیگر نیز قرآن این رابطه را گوشزد نموده است مانند: ایمان، در آیه: «آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ» (نساء، ۱۳۶) و آیات دیگر هجرت، در آیه: «وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ» (نساء، ۱۰۰)

تولی، در آیه: «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ...» (مائده، ۵۶)  
 نصرت، در آیه: «وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» (حشر، ۸)  
 ولایت، در آیه: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ...» (مائده، ۵۵)  
 مراقبت اعمال، در آیه: «وَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ» (توبه، ۹۱)  
 مرجعیت، در آیه: «فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ» (نساء، ۵۹)

### رابطه در موارد منفی

و در موارد منفی نیز که نهی یا نکوهش شده، این رابطه به چشم می‌خورد، مثلاً در مورد عصیان در سوره نساء، آیه ۱۴ آمده است: «وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ»  
 و در محاربه: «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ...» (مائده، ۳۳)

و در کفر: «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ» (توبه، ۸۰)  
 و در محاذه و عدم تسلیم: «أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ» (توبه، ۶۳)  
 و در مورد شقاق و دشمنی: «وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (انفال، ۱۳)  
 و در خیانت: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ» (انفال، ۲۷)

و در دروغگوئی و نقض عهد: «الَّذِينَ كَذَّبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ» (توبه، ۹۰)  
 و در اذیت و آزار رسانی: «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» (احزاب، ۵۷)  
 و در رعایت حدود: «لَا تَقْبَلُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ» (حجرات، ۱)

### قنوت و خضوع

و از اینها بالاتر، مواردی که در عبادت و قصد قربت نیز خدا و رسول با هم ذکر شده‌اند، مانند: «وَمَنْ يَفْتَنُ مِنْكُمْ لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ عَنِ مَا يُفْتَنُ بِهِ فَلَاحِقٌ لَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (احزاب، ۳۱) قنوت گریه در لغت بمعنای خضوع و اطاعت است ولی تنها در مواردی به کار می‌رود که نهایت خضوع باشد و آن همان عبادت است. و از این رو همیشه در مورد خداوند به کار می‌رود، تنها در این مورد به همسران حضرت رسول صلی الله علیه و آله خطاب شده است که هر کس از شما برای خدا و رسول خضوع کند و عمل صالح انجام دهد، اجرش را دوچندان خواهیم داد.

و در سوره توبه، آیه ۹۹ می‌فرماید: «وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَتَخَذُوا مِيثَاقَهُمْ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَوَعَدُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ...»

و از اعراب بادیه نشین کسانی هستند که به خدا و روز جزا ایمان دارند و آنچه از اموال خویش انفاق می‌کنند، برای تقرب به خدا و دستیابی به دعا‌های رسول است...

از این آیه معلوم می‌شود همانگونه که قصد تقرب به خداوند در اعمال عبادی مطلوب است، دستیابی به دعای رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز انگیزه مظلویی برای اعمال عبادی مانند انفاق می‌باشد.

### رابطه در موارد احکام و تشریعات

و همچنین در موارد تشریح احکام و صدور اعلامیه براءت از مشرکین، خدا و رسول با هم ذکر شده‌اند:

«وَإِذْ قَالَ اللَّهُ لِمَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَمَّا نَسُوا مَا كَفَرُوا إِنَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يَخُفُّونَ مِنْكُمْ عَظِيمًا» (توبه، ۳)

از سوی خدا و رسول به مردم در روز حج بزرگ اعلام می‌شود که خدا و رسول او از مشرکان بیزارند.

و در مورد تحریم که یکی از احکام و تشریعات است، می‌فرماید:

«فَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ عَلِيمٌ» (توبه، ۱۱)

با آنان که ایمان به خدا و روز جزا ندارند و آنچه را خدا و رسول تحریم و منع کرده‌اند، حرام نمی‌دانند، کارزار کنید.

و همچنین در نفوذ تشریحات می فرماید:

«وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ» (احزاب-۳۶).

اگر خدا و رسول حکمی را صادر نمودند، هیچ مرد و زن مؤمنی نباید در برابر آن برای خود اختیاری قائل باشند.

### رابطه در تکوینات

بلکه حتی در تکوینات، خدا و رسول با هم ذکر شده اند مانند آیه ۵۹ سوره توبه، در مورد کسانی که از تقسیم صدقات ناراضی بودند، می فرماید:

«وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ...»

بهرتر بود که آنان به آنچه خدا و رسول به آنها عطا کرده اند، خشنود شوند و بگویند: خداوند ما را کفایت می کند و خدا و رسول از فضل و کرم خود ما را بی نیاز خواهند کرد.

و در مورد منافقان می فرماید:

«وَمَا نَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ».

چیزی موجب خشم و انتقام آنان نیست بجز اینکه خدا و رسول، آنها را از فضل و کرم خویش بی نیاز ساخته اند. و این در مقام تعجب است که آیا سزای این همه فضل و کرم و بخشش، انتقام و دشمنی است؟! و همچنین در موارد بسیار دیگر که خدا و رسول با هم ذکر شده اند و این نشانه علو مقام و مرتبه آن حضرت است که حتی تصور آن از قدرت تفکر ما خارج می باشد.

### بشارت انبیای سلف به ظهور آن حضرت

از ویژگیهای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، طبق تصریح قرآن، بشارت کتابهای آسمانی و انبیاء سلف به ظهور و بعثت آن حضرت است. در سوره بقره- آیه ۱۲۹، از دعاهای حضرت ابراهیم علیه السلام نقل فرموده است:

«رَبَّنَا وَإِنَّا بِفِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ بَلَّغْنَاكَ آيَاتِكَ وَبَعَلَّمَهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَزَكَّيْتَهُمْ...»

خداوند! در میان اهل مکه، پیامبری از خود آنها برانگیز که آیات تو را بر آنان تلاوت کند و معارف کتاب و حکمت را به آنان بیاموزد و نفوسشان را تزکیه نماید.

و خداوند همین نعمت را بر مؤمنان منت نهاده است:

«لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ».

خداوند بر مؤمنان منت گذاشته است که رسولی از خود آنها در میان آنان برانگیخته که آیات او را بر آنها بخواند و آنان را تزکیه نماید و معارف کتاب و حکمت بیاموزد.

و همچنین خداوند در پاسخ به دعاهای حضرت موسی علیه السلام فرمود:

«قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ، الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الَّذِي بَعَدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ بِأَمْرِهِمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَجْعَلُ لَهُمُ الطَّيِّبَاتُ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ...» (اعراف-۱۵۷)

عذابم به هر که بخواهم اصابت می کند و رحمت من همه چیز را فرا گرفته ولی من آن را برای کسانی مقرر می کنم که تقوی دارند و زکات می دهند و به آیات ما ایمان دارند و پیروی می کنند از آن پیامبر و فرستاده ای که نام و نشانها در تورات و انجیل می خوانند، همو که آنان را به نیکی وادار و از بدی باز می دارد، کارها و چیزهای پاک را حلال و ناپاکی ها را حرام می داند و غل و زنجیرهایی که مانع تکامل و رشد انسان است، از آنها بر می دارد...

و در سوره صف، آیه ۶، می فرماید:

«وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدٌ...»

عیسی بن مریم (علیه السلام) گفت: ای بنی اسرائیل! من براستی فرستاده خدا بسوی شما هستم که بر صحت تورات و مضامینش گواهی می دهم و شما را بشارت می دهم به پیامبری که بعد از من خواهد آمد و نام او احمد است.

در شماره آینده به خواست خداوند، سخنی کوتاه درباره اخلاق شکوهمند پیامبر گرامی اسلام (ص) خواهیم داشت که بمناسبت ۱۷ ربیع الاول و سالروز ولادت منجی بزرگ عالم بشریت، تقدیم خوانندگان عزیز خواهد شد. ان شاء الله

ادامه دارد